مذاهب برای زنا عبید واما رحیم نیست ذَلِكَ آن نکاح کنیزان لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ از برای کیست که ترسد از رنج سخت یعنی از مشقت اگر در زنا
افتد از شما که عزبا بید وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ واگر صبر کنید از نکاح کنیزکان بهتر است مر شما را باحتیاط نزدیکتر در صیانت ولد خود از بندگی وَاللَّهُ
غَفُورٌ رَحِيمٌ خدای تعالی آمرزنده است مر کسی را که صبر نتواند کرد از نکاح اما مهربانست برخصت دادن بران يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ ومیخواهد خدای
تعالی آنکه بیان فرماید برای شما احکام حلال وحرام وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وراه نماید شما را راههای آنکسانی که بودند پیش از شما از دین
ابراهیم است واسمعیل یا روش پیشینیان از اهل حق وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وباز گردد بر شما بتبدیل اثقال ورفع احمال وتخفیف احکام وغفران آثام
وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ وخدای تعالی داناست بمصلحت شما در آنچه فرماید درست کار وراست گفتار در هرچه حکم کند وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ
وخدای تعالی میخواهد آنکه شما را توبه بسیت دهد یا دلالت کند بچیزی که سبب توبه شما گردد وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ ومیخواهند آنکه از عفت باز ...
نا دپیری میکنند از آرزوی نفس أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا آنکه شما میل کنید از راه راست میل کردنی بزرگ چون آیه حرمت خواهر زاده و برادر زاده نازل
شد یهود در اعتراض کردند که نکاح دختر عمه و دختر خاله حلالست با آنکه عمه و خاله حرام اند پس اگر خواهر حرام است خواهر زاده چرا حلال باشد بدین سبب
خواستند که اهل اسلام را بجانب باطل میل دهند این آیه نازل شد که خدای تعالی میخواهد که شما را توبه دهد ویهودان میخواهند که شما را منحرف سازند
يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ میخواهد خدای تعالی آنکه سبک گرداند از شما در احکام نکاح بر وجهی که سبکبار شوید ماتریدی رحمه الله گفته مراد بتخفیف
است در اثقال عبادات وتعدیه از جنایات وترک استیصال بعقوبات بخلاف امم ماضیه که ایشان را اغلال واصار بسیار بوده وَخُلِقَ
الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا وآفریده شده است آدمی ناتوان وعاجز در کشیدن بار تکلیف لاجرم بروی سبک فرموده وگفته اند ضعف آدمی بسبب [illegible]
کرا زما هم چنین آفریده شده قال الله تعالی خلقکم من ضعف یا ضعیفست در مهم زنان وعدم قوت آنکه خود را از میل با ایشان باز دارد یا در برابر
فضا وغنج وحنت شکیبای نیست محققان گفته اند حق تعالی از غایة مهربانی که باینده دارد او را بضعف وناتوانی موسوم ساخت تا اگر [illegible]
تقصیر نماید دریابد سبب متابعت آرزوی نفس بقضیه حال وبدید آید ضعفی که بر صفحه حال او کشیده زبان اعتذار تواند کشود وبیت ظلوم جهول
هم ازین مقوله است بیت من آن ظلوم جهولم که اولم گفتی : چه آید از ضعفای کریم واز جهال : ونسبت ضعف از آن جهت بانسان اختصاص
یافته که از مجموع مکونات سمت جامعیت او راست وبس آنکه ضعف سبب جمعیت او میشود ظاهر است زیرا که موجب تغیر حالست وآدمی بجهت
ضعفی که لازم ویست از حالی بحالی متغیر میگردد در زمانی بصفت بهیمیت بر آمده بأکل وشرب ووقاع ونوم مشغولست ودر دیگر بصفت ملکیت
متصف شده وبوصف ارباب قرب ووصول چون قابلیت کلی ایشان که رنگ همه صفتها پذیرد وبسبب این منقصت صفت ستایش [illegible]
سمت نکوهش او دیده بصیرت هر صاحب دولت که بشهود این معنی کشوده شود ویقین داند که او را قابلیت قبول همه صفتها واخلاق [illegible]
هر آینه عنان مرکب همت از اتصاف بصفات نکوهیده منعطف ساخته در میدان تخلق باخلاق پسندیده جولان خواهد نمود وجانب [illegible] توجه کند
[illegible] گفته که آدمی اگرچه بسبب جسمانیة در غایة کثافتست اما بحسب روحانیت در نهایت لطافت بهر چه روی آرد حکم آن گیرد و [illegible]
رنگ آن پذیرد وحکما گفته اند که چون نفس ناطقه بصور مطابق حقایق متحلی شود وباحکام صادق آن متحقق گردد صارت کأنه الوجود کله
عموم خلایق بشدت اتصال بدن وصورت جسمانیة وکمال اشتغال بکرامی هیولانی چنان شده اند که خود را ازان باز نمیدانند واستیلای شهوات [illegible]

ودر مثنوی گفته

ودر مثنوی گفته بیت ای برادر تو همین اندیشه : ما بقی تو استخوان وریشه : گر گلست اندیشه تو گلشنی : ور بود خاری تو هیمه گلخنی : پس باید که بکوشی وخود را از نظر
خود بپوشی وبذات اقبال کنی وبحقیقی اشتغال نمائی که درجات موجودات مجالی جمال وی اند ودر آئینه کاینات مرای کمال او ودرین نسبت چنین
مداومت نمائی که با جان تو در آمیزد وهستی تو از نظر تو برخیزد چون بجوئی همه گل گردی بوی او گروه باشی وچون از خود تعبیر کنی از وی تعبیر کرده باشی
بیت گر در دل تو گل گذرد گل باشی ؛ ور بلبل بیقرار بلبل باشی ؛ تو جزوی وحق کلست اگر روزی چند ؛ اندیشه کل پیشه کنی کل باشی ؛ بعد از شرح کیفیت
تصرف در نفوس بسبب نکاح بیان کیفیت تصرف در اموال میفرماید ومیگوید يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ای گروه گرویدگان لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ مخورید
مالهای یکدیگر را بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ درمیان یکدیگر بچیزی که حلال نباشد در شرع چون غصب وربوا وقمار وخیانت وسرقه وسایر محرمات شرعیه یا عقود
فاسده ویا بسوگند دروغ یا بدعوی باطل وشاهد زور وتخصیص کرد اکل را بجهت آنکه اعظم منافع مال نزد دنیا پرستان ویست [illegible]
سایر تصرفات واقعه بر وجه باطل حرامست قولی آنست که مخورید مالهای خود را در معصیت ومصرف مکنید در محل حلال در وجه حرام وقول اول اشهر است
که مراد مال دیگران باشد ومعنی آیه آنکه بغیر استحقاق در مال دیگران تصرف مکنید إِلَّا أَنْ تَكُونَ مگر آنکه باشد جهت تصرف تِجَارَةً بازرگانی [illegible]
صادره عَنْ تَرَاضٍ از خوشدلی وخوشدلی هر یک مِنْكُمْ از شما که متعاقد انید تخصیص تجارت از وجوهی که بدان کسب مال بر طریق حلیت [illegible]
ارث هبت ووارث وتصدق وغیر آن بجهت اغلبیت است ومناسبت بآن با اعیان وارباب مروت وَلَا تَقْتُلُوا ومکشید بناحق [illegible]
أَنْفُسَكُمْ نفسهای خود را یعنی اهل دین خود را چه همه مؤمنان از روی حقیقت یکی اند المؤمنون کنفس واحدة حق سبحانه در اول آیه نهی فرمود از خوردن
حرام در آخر منع میفرماید از قتل ناحق صاحب قوت القلوب گفته که تقدیم نهی از اکل حرام بر نهی از قتل اشارت بتفضیل حلال خوردن وتعظیم آنست چه نتیجه
لقمه حرام جز فعل ناشایست نتواند بود ویکی از انها قتل نفس مومنی باشد بغیر حق وگفته اند مراد قتل نفس خود است میفرماید که مکشید [illegible]
نفسهای خود را چنانچه جهال وسفها از بت پرستان هند خود را بدست خود برای خود قربان میکنند ودر تفسیر معالم مذکور است که حضرت
رسالت صلوات الله علیه فرمود که هر که خود را بچیزی بکشد در دنیا بهمان چیز او را عذاب کنند در عقبی هم از آنحضرت منقولست که پیش از شما در [illegible]
از امم کسی را جراحتی رسیده بود واز الم آن مشقت بسیار کشید بالاخره دست خود را از تن قطع کرد واز ان زخم خون میرفت تا بمرد خدای
تعالی فرمود که بنده من شتاب کرد بنفس خود وحرمت علیه الجنة پس من هم بهشت را بروی حرام کردم قولی آنست که نفس خود را در جایی که خطر فوت
داشته باشد میفکنید ولا تلقوا بایدیکم الی التهلکة ومؤید این قولست آنکه ثعلبی آورده که عمرو بن عاص بعد از معاودت از غزوه ذات السلاسل
حکایت میکرد که من شبی محتلم شدم وهوا بغایت سرد بود واز غسل کردن ترسان شده بر تیمم با اصحاب گذاردم حضرت رسول صلعم فرمود که صلیت وانت
جنب جنابت نماز گذاردی گفتم یا رسول الله هوا در غایت برودت بود ومن از شدت سرما بر هلاک نفس خود ترسیدم واین آیه بر خاطر گذرانیدم
ولا تقتلوا انفسکم آنحضرت تبسم فرمود وهیچ نگفت وگفته اند مکشید خود را یعنی ارتکاب مکنید چیزی را که مؤدی بقتل شما شود یا نفس خود را [illegible]
[illegible] بخدمت اهل دنیا طمع از ایشان که موجب اهانتست وآن بحقیقت قتلیست مر نفس مومن را لیس للمومن ان یذل نفسه یا هلاک مکنید
خود را باتلاف مال خود که قیام معیشت شما بدانست چه هلاک مال مودی بهلاک نفس میشود ویا سلمی گوید سفر مکنید از برای تجارت بزمین کفار که [illegible]
شما اند ودر آن زمین تلف نفس شما ممکن است ابو لیث گفته مکشید نفس خود را یعنی عیالان خود را بآنکه بخل ورزید ودر انفاق بر ایشان یا کاهلی نمائید

Copyright © King Saud University